

۴ ج. سید سعید عرفانی، سرپرست تیم:

بانندکی اغماض می توان تاریخچه فوتبال مشهد را معادل تاریخچه تیم شهیدمحدث دانست

سید سعید عرفانی در جمع مسئولان و پیش کسوتان تیم از همه جوان تر است. او که متولد ۱۳۵۵ است، سرپرستی تیم فوتبال شهیدمحدث در دوره اخیر را برعهده دارد.

عرفانی می گوید: تیم شهیدمحدث بزرگانی در فوتبال این شهر دارد که برخی فراموش شده اند و امروز جوانانی در آن بازی می کنند که چشم به فردا دارند. بانندکی اغماض می توان تاریخچه فوتبال مشهد را معادل تاریخچه تیم شهیدمحدث دانست. همان طوری که گفته شد، تیم قبل از سال ۱۳۵۰ هم وجود داشته و در مسابقات آن زمان شرکت می کرده است. او درباره شرط پیشرفت فوتبال خراسان نیز بیان می کند: در کنار همه نکاتی که در این میان وجود دارد و آموزش های حرفه ای که داده می شود، باید به تیم های کهن این شهر و استان توجه شود. اهمیت به تیم های قدیمی باعث برکاتی است. وقتی جوانی ببیند که فوتبال در شهرش دیرینه و ریشه دار است، با انگیزه بیشتری تمرین می کند و روحیه نام آوری اوباعث می شود خودش را به سطح اسطوره ها و نام آوران گذشته نزدیک کند. در تیم ما استعداد های خوبی وجود دارد. حمایت بزرگان تیم از نسل جدید، بی چشم داشت است. آن ها دوست دارند فرهنگ قدیمی تیم ماندگار شود. اگر بخواهیم در یک کلمه تیم شهیدمحدث را خلاصه کنیم، باید بگوییم فداکاری.

سرپرست تیم فوتبال شهیدمحدث درباره علت بی توجهی به رده های مختلف سنی در این تیم می گوید: همه ما می دانیم که شرط تداوم در یک تیم فوتبال، پرداختن به رده های پایه فوتبال است اما شرایط به گونه ای نیست که بزرگان و نسل قبلی تیم بتوانند هزینه های مربوط را تأمین کنند و فعلا در بخش بزرگسالان تیم داری می کنیم. تنها خدمتی که نهادهای متولی فوتبال به این تیم کردند، این بوده که تنها زمینی را که محل تمرینمان از سال ها قبل بوده است، از ما گرفته اند! وقتی از یک تیم، زمین ورزشی اش گرفته می شود، دیگر با چه زیرساختی می توان امید داشت که تیم، تیم بماند؟ در تیم فوتبال شهیدمحدث، نسل قبلی برای اینکه هدایت کننده نسل جدید باشند، با تمام وجود حاضر به خدمت هستند اما امکانات خیلی کم است.

۴ د. اکبر علی پور، پیش کسوت:

سر مربی پدیده، فوتبالش را با شهیدمحدث شروع کرد

اکبر علی پور هم مدرسه ای و هم محلی شهید احمد محدث بوده و سال ها در تیمی که به نام دوست شهیدش نام گذاری شده بوده، بازی کرده است. او درباره سابقه دوستی اش با شهید احمد محدث و تیم فوتبال می گوید: من از دوستان قدیمی شهید محدث بودم و علاوه بر هم محله ای بودن، با هم در مجتمع آموزشی طلاب درس می خواندیم و رفته رفته با هم تیمی را برای مدرسه راه اندازی کردیم. ما با تعدادی از بچه های مدرسه و بچه های محله، تیم فوتبال راه انداخته و چند مسابقه هم داده بودیم. اوایل جنگ بود که ایشان گفت تیم را تو مدیریت کن و من به جبهه می روم. رفت و به فاصله اندکی برای همیشه ماندگار شد. به یاد نام ایشان، آن تیم فوتبال را ادامه دادیم. پیش از این، دو تیم برق و فردوسی در محله ما وجود داشت که از باقی مانده آن، تیمی جدید تشکیل دادیم که نام شهیدمحدث را به خود گرفت.

او که بازیکن دفاعی بوده است، با خنده اضافه می کند: حدود ۱۰ سال برای تیم شهیدمحدث بازی کردم. هر چند بیشتر در پست های دفاعی بازی می کردم، بنا به اقتضا هر جایی از تیم که لازم بود، وارد می شدم و در آن پست توپ می زدم. در دوران فوتبالی ام به ندرت کارت و تذکر گرفتم. اصولا تیم شهیدمحدث تیمی اخلاقی بود. کاپ اخلاق هم در مسابقات دریافت کردیم.

علی پور از دیگر هم بازی هایش در تیم شهیدمحدث نیز نام می برد و می گوید: محمدرضا مهاجر، سرمربی تیم فوتبال پدیده مشهد، هم از هم کلاسی های شهیدمحدث بود و در تیم شهیدمحدث بازی می کرد و سابقه فوتبالی اش به همین تیم بر می گردد.

۴ ه- جعفر مرادی، پیش کسوت:

شهیدمحدث به ابومسلم گل زد

جعفر مرادی از پیش کسوتان تیم شهیدمحدث است و از بازیکنانی است که سابقه بازی در تیم برق را داشته و بعد به تیم شهیدمحدث پیوسته است. مرادی از خصوصیات شهیدمحدث تعریف می کند: شهیدمحدث در بین سایر بچه های تیم، فردی معتقد و مذهبی بود. یاد نمی رود وقتی خیلی از چیزهایی که امروز مرسوم است، هنوز به فرهنگ فوتبالی، نیامده بود، شهیدمحدث قبل از بازی، دعای فرج را بلند می خواند و بقیه هم با او

همراهی می کردند.

او ادامه می دهد: به نظر من ماندگاری تیم به خاطر همان بنیان اولیه آن است که حالت معنوی داشت. او از خاطره ای دور درباره شهیدمحدث می گوید: قبل از انقلاب در تعدادی مسابقه فوتبال شرکت کرده بودیم. هیچ کدام از تیم های گروه ما نیامدند و ما در یک شانزدهم با تیم ابومسلم که در آن دوران تیم اول استان بود، مواجه شدیم. نتیجه از قبل برای همه معلوم بود. ۱۲ گل خوردیم اما یک گل هم زدیم. آن هم توسط محدث به دروازه بان نامداری به نام عسکر خانی. با اینکه ۱۲ بر ۱ باخته بودیم، همان تک گل ما به تیمی مثل ابومسلم که در اوج و معروفیت خودش بود، برای همه ما در حکم برد بود و بعد از بازی همه شادی می کردیم و احساس پیروزی داشتیم.

مرادی از روال فعلی حاکم بر فوتبال انتقاد کرده و می افزاید: امروز همه چیز باندبازی و پول است. کافی است وقتی اعلام می کنند فلان تیم معروف تست استعدادیابی دارد، بیایید سر زمین و ببینید چه افرادی با چه ماشین هایی می آیند. عملا مشاهده می کنم از بچه های مردم، پول های کلان می گیرند تا آن ها را وارد تیم کنند اما اگر واقعا فوتبال و جوانمردی را می خواهید، باید بیایید به همین زمین های حاشیه ای و دنبال بچه های پایین شهر باشید؛ البته همیشه بچه های پایین شهر محروم بوده اند اما با استعدادی که داشتند، می توانستند خودشان را به سطوح بالا بکشانند. نمونه اش هم آقای خداداد عزیزی است اما امروز پول حرف اول را می زند و نه استعداد. وقتی فلان تیم مشهدی که در لیگ برتر بازی می کند، یک میلیون و ۲۰۰ میلیون تومان به بازیکنش می دهد، دیگر کجا دنبال استعدادیابی و پرورش استعداد های پایین شهر می رود؟ اگر همین پول بلکه یک دهم همین پول را بیاورید به زمین های منطقه طلاب و دیگر نقاط کم بر خوردار مشهد، خواهید دید که در فوتبال مشهد و استان چه معجزه ای رخ خواهد داد.

